

مقدمه

1 - نیت حج و زیارت خانه خدا

2 - توشه راه

3 - وسیله سفر

4 - خرید لباس احرام

5 - بیرون رفتن از شهر و دیار

6 - بیمودن صحراها و کوهستانها

7 - احرام بستن و گفتن تلبیه در میقات

8 - ورود به شهر مکه

9 - نگاه به خانه کعبه

10 - طواف کعبه

11 - لمس حجرالاسود

12 - گرفتن پرده کعبه و تمسک جستن به ملتمزم

13 - سعی بین دو کوه صفا و مروه

14 - وقوف در سرزمین عرفات

15 - وقوف در مزدلفه مشعرالحرام

16 - رمی جمره عقبه در سرزمین منی

17 - قربانی در منی

دو فصل دیگر در زیارت مدینه رسول الله(ص)

مقدمه :

حرکت میهمانان و زوار بیت الله الحرام از سراسر جهان به عشق دیدار خانه معشوق و کعبه آمال و اجتماع آنان در سرزمین وحی در ماه ذی حجه پاسخ به دعوت شیخ الانبیاء ابراهیم خلیل الرحمان است .

این اجتماع بزرگ چیزی جز جلوه امت واحده نیست که خدا را حاکم بر دل و گل خود و همه جهانیان می دانند، اینان در ایام حج با اعمال عرفانی حج فانی در حق می گردند تا پس از برگشت از حج مردم جهان را به خدا نزدیک کنند و جهان را خدایی نمایند .

مرحوم سید عبدالله شبر این عارف نامدار در کتاب الاخلاق بیان اسرار و راز و رمز حج را با تکیه بر روایت فوق در هفده فصل چنین مطرح می نماید :

1 - نیت حج و زیارت خانه خدا

کسی که تصمیم حج و زیارت بیت الله الحرام را دارد، باید بداند که حج خانه او کاری والامر تبه است پس باید خشنودی خداوند و تقرب به او را در نظر بگیرد و از ریاکاری دوری جوید، در غیر این صورت تنها اموالش را نابود کرده و غیر از خستگی و گناه چیزی نصیبش نشده است .

قبل از سفر به خانه حق باید هر آنچه را با ستم از مردم گرفته برگرداند و بازگشتی حقیقی کند و بر پروردگارش با دامن آلوده به گناه وارد نشود. در سفر به سوی بیت الله سفر به سوی جهان آخرت را به یاد آورد، بلکه آن را به سفر آخرت تبدیل کند.

2 - توشه راه

زائر خانه خدا باید بداند سفری طولانی تر از این خواهد داشت که نیاز بیشتری به ذخیره کردن اعمال صالح و نیکو دارد و باید توجه کند مفاسدی همچون تظاهر به ریا، حج او را که ذخیره سفر عظیمی است، ممکن است نابود کند.

3 - وسیله سفر

باید شکرگزار صاحب خانه باشد که وسیله سواری برایش فراهم کرده است تا بارهای سنگین او را منتقل کند و گرنه خود باید بارش را به دوش می کشید. باید یادآور مرکزی شود که او را به جهان آخرت منتقل می کند و آن مرکب جنازه اوست. پس تعجب و شگفتی از کسی است که برای سفر مشکوک آیا بتواند برود و یا نه خود را آماده می کند ولی برای سفر یقینی مرگ هیچگونه آمادگی ندارد.

4 - خرید لباس احرام

به هنگام خرید لباس احرام - دو قطعه پارچه ساده ندوخته - به یاد کفن و پیچیده شدن در آن بیافند، او که به زودی با دو قطعه لباس احرام در نزدیکی بیت الله الحرام سراسر وجودش را می پوشد - یکی را لنگ و دیگری را رداء و حوله خویش قرار می دهد - چه بسا اجل مهلت ندهد و سفرش را به پایان نرساند و با همین دو قطعه لباس احرام خدایش را ملاقات کند. پس همان طور که برای ملاقات خانه خدا لباسی را بر تن می کند که مناسب خانه الهی و مخالف تزیینات دنیوی است، بداند که بعد از مرگ با همین گونه لباس به ملاقات صاحب خانه می رود. این دو لباس - احرام و کفن - چقدر شبیه یکدیگرند.

5 - بیرون رفتن از شهر و دیار

سالک به سوی بیت الله الحرام وقتی از شهر جدا می شود باید توجه کند که سوی خداوند منان می رود. پس توجه کند که در این سفر چه خواسته ای دارد؟! و به کجا رو می برد؟! و چه کسی را می خواهد زیارت کند؟! و

نیز به یاد سفر آخرت بیفتد که وابستگیهایش را برای همیشه رها می کند.

6- پیمودن صحراها و کوهستانها

زائر از صحراها و کوهها عبور می کند تا به میقات برسد، باید سفر خویش را پس از خروج از دنیا تا به میقات قیامت رسیدن را تصور کند و بداند که در این میان منزلگاههای وحشت زا و درخواستهای گوناگون وجود دارد. آنان که بین راه مانع وی می شوند همانند نکیران و منکرانند و درندگان صحرايي و ... خانه قبرند و تنهایی زائر در راه، تنهایی ترسناک خانه قبر و سختیهای آنجاست پس جهت راه خویش و زاویه های پرپیچ و خطرناک قبر تا قیامت توشه و ذخیره ای را فراهم کنید و با خود همراه داشته باشید.

7 - احرام بستن و گفتن تلبیه در میقات

حاجی و معتمر خانه کعبه باید بدانند تلبیه به معنای پاسخ گویی به دعوت خدا است او امیدوار به پذیرش خویش باشد و از سوی دیگر ترس آن را داشته باشد که از جانب حق ندایی برآید لا لیبیک و لا سعیدیک، تو را نپذیرفته ام و سعادت از آن تو نیست.

پس زائر در میقات بین خوف و رجاء در برابر خدا می ایستد، تلبیه گفتن شروع و نقطه آغازین سیر الی الله است که جایگاهی عظیم و بزرگ دارد.

امام چهارم زین العابدین (ع) چون به میقات آمد تا لباس احرام بپوشد، مرکب خویش را تا ننگه داشت، چهره اش زرد گشت و حالت مادی وی تغییر کرد، لرزه بر اندام مبارکش افتاد و نتوانست ذکر شریف تلبیه را بر زبان جاری کند فرمود: من می ترسم پروردگارم بگوید: لا لبیک و لا سعیدیک با تامل و زاری بسیار چون ذکر تلبیه را بر زبان جاری کرد، بیهوشی و غش بر آن حضرت عارض گشت و از روی مرکب به زمین افتاد، این حالت برای آن بزرگوار تا پایان مراسم حج فراوان پیش می آمد.

۸ - ورود به شهر مکه

به هنگام ورود به شهر مکه باید توجه نمود که به پایان حرم الهی رسیده است امیدوار شود که از عذاب و عقاب الهی در امان می گردد و در عین حال این اضطراب را داشته باشد که اهلیت نزدیکی به حرم را پیدا نکرده باشد و بدین سبب او منفور نزد خدا باشد، پس امیدش در هر حال نزدیکی به صاحب خانه باشد که کرامت او شامل همه خواهد شد. او حق زائرش را مراعات می کند و کسی را که در جوار خانه اش قرار گرفت شریف و بزرگ می شمارد.

۹ - نگاه به خانه کعبه

زائر خانه خدا به هنگام ورود به مسجدالحرام و نگاه به کعبه عظمت صاحب خانه را با دل و جان درک کند و خود را در حضور او ببیند و امیدوار به ملاقات حضرت احدیت در آخرت باشد همان طوری که در دنیا زیارت کعبه نصیبتش گردید. و نیز در آن لحظه حرکت مردم در صحنه قیامت و رفتن آنان را به سوی بهشت تصور کند که به بعضی اجازه ورود داده می شود و برخی را مانع می گردند.

۱۰ - طواف کعبه

حاجی به هنگام طواف خود را همانند فرشتگانی که در اطراف عرش الهی طواف می کنند بدانند و توجه کند که هدف از طواف ابتداء تا انتهایش گردش دل و قلب به دور صاحب خانه است از این رو با نام خداوند از حجرالاسود شروع می کند و بدان نیز ختم می نماید.

۱۱ - لمس حجرالاسود

آنگاه که دست بر روی حجرالاسود می کشد و آن را می بوسد باید بدانند که با خدای کعبه بیعت می کند تا از هر عملی که معصیت او را به دنبال دارد دوری کند و تصمیم بر وفای به عهدش را داشته باشد، زیرا هر کس از بیعت با صاحب کعبه تخلف ورزد دچار خشم و عذابش خواهد شد.

حجرالاسود دست خداوند در روی زمین است مردمی که با آن مصافحه می کنند و آن لمس را می نمایند گویا دست خدا را لمس کرده اند همانند شخصی که دست برادرش را گرفته و کف در کف او نهاده است.

۱۲ - گرفتن پرده کعبه و تمسک جستن به ملترم

بعد از لمس و بوسیدن حجرالاسود با اشتیاق و رغبت بیشتر به دیوار کعبه نزدیک شو و بدنت را بدان مماس گردان به امید حفاظت و دوری از آتش جهنم؛ زیرا هر جزئی از بدن که به کعبه بچسبد از عذاب الهی مصون خواهند ماند، پس خود را به پرده کعبه بیاویز و بیشترین رعایت را طلب مغفرت و آمرزش گناهان و ایمنی از عذاب جهنم قرار ده همانند خطاکاری که دامن بزرگتری را گرفته و با التماس و تضرع و درخواست عفو و بخشش رضایت آن بزرگتر را به دست می آورد و آینده خویش را بیمه می نماید.

۱۳ - سعی بین دو کوه صفا و مروه

مهمان خانه خدا هنگام سعی بین صفا و مروه خود را همانند شخصی می بیند که در آستانه سلطانی در تردد است و انتظار ملاقات با او را دارد این تردد از آن جهت است که می خواهد اخلاص خویش را اثبات کند و رضایت و لطف را جلب کند در عین حال نمی داند او را به حضور می پذیرد یا نه. پس رفت و آمد خویش را تکرار می کند و چون خود صاحب خانه هفت مرتبه را معین کرده است بر هفتمین بار بسنده می کند، در هر صورت سعی کننده بین صفا و مروه خود را بین دو کفه ترازو در صفحه قیامت می بیند کوه صفا را کفه حسنات و مروه را کفه سیئات می پندارد پس رفت و آمد بین آن دو برای آن است که ببیند کدامین کفه بر دیگری برتری دارد؟ عذاب بر غفران و یا غفران و آمرزش بر عذاب؟

۱۴ - وقوف در سرزمین عرفات

اجتماع عظیم انسانی خداجو، مناجات و فریاد و ناله، از هر قوم و ملتی و نیز رفت و آمدهای بسیار زیاد به سوی مشاعر الهی همچون جبل الرحمة و مسجد نمره و ... با توجه به اختلاف آراء پیشوایان مذاهب و پیروان آنان اعجاب انسان را برمی انگیزاند، او خداجویان را در اداء این واجب الهی در سرزمین عرفات می بیند، این صحنه بزرگ حاجی را به یاد صحنه قیامت می اندازد، او اجتماع انسانی آغازین و آخرین را به همراهی انبیاء بزرگوار تصور می کند و گویا می بیند چگونه هر امتی به دنبال امام خویش است تا او را شفاعت کند.

آن هنگام با چنین تصورات زیبایی قلب شکسته خویش به خدای خود توجه پیدا می کند و اعمال تو را در جمله قبول شدگان قرار می دهد دعاهایت را مستجاب و مقبول می گرداند و رحمتش را بر تو نازل می کند، آرمانهای مقدست تحقق می یابد پس موقف عرفات از مواقف شریفه ای است که انسان خداجو در آن مکان عظمت شرافت و بزرگی را به دست می آورد.

۱۵ - وقوف در مزدلفه مشعر الحرام

ورود در مشعر الحرام - که جزء حرم مکی است - بعد از برون رفتن از حرم و قرق گاه الهی و اجازه مجدد صاحب خانه جهت داخل شدن در حرم او رحمت باز یافته دیگری است، زیرا سرزمین عرفات خارج از محدوده حرم امن است و مشعر الحرام جزء حرم امن می باشد در این سرزمین، بر دربهایی رحمت خداوند نزدیک گشته ای، نسیم لطف و رحمت و مهربانی او بر تو بار دیگر می وزد.

۱۶ - رمی جمره عقبه در سرزمین منی

سرزمین منی جای اطاعت محض در برابر خالق و آفریدگار است. زائر باید اظهار بندگی کند و طوق عبودیت را بر گردن نهد و هیچ گونه وسوسه ای را از ناحیه عقل و اندیشه و نفس نپذیرد. خود را در جایگاه ابوالانبیاء ابراهیم خلیل می بیند، زیرا که شیطان خواست حج او را در این مکان ناخالص کند و او را گرفتار هوای نفسانی نماید. اما خدا فرمان داد تا شیطان را از خود براند. او هم با سنگ شیطان را از خویش دور کرد و ریشه های وسوسه شیطانی را خشکانید.

۱۷ - قربانی در منی

انجام قربانی چیزی جز اظهار اطاعت محض و تسلیم در برابر خداوند نیست. حاجی امیدوار است که در برابر هر جزئی از قربانی بتواند جزئی از بدن خویش را از آتش عذاب الهی برهاند و به وعده های نیکوی خداوند دست بیابد، مسلم هر چه تعداد قربانی بیشتر شود و خود قربانی از قوت بیشتری برخوردار باشد تاوان بیشتری را در برابر آتش جهنم خواهد پرداخت.

دو فصل دیگر در زیارت مدینه رسول الله(ص)

مرحوم شبر در کتاب خود دو فصل دیگر در زیارت مدینه رسول الله(ص) دارد که با آوردن آن اسرار و معارف مناسک را از دیدگاه آن عارف آگاه به پایان می رسانیم:

۱ - دیدار از شهر پیامبر خدا

آنگاه که از مکه معظمه بازگشتی و به دیدار مدینه منوره پرداختی چون چشمت بر دیوارهای شهر مدینه افتاد، به یاد آور که این همان مدینه ای است که خداوند آن را برای پیامبرش انتخاب کرد تا بعد از هجرت در آنجا سکنی گزیند، همان شهری است که پیامبر(ص) واجبات الهی و سیره خویش را در آنجا به اجرا گذاشت. در آن شهر مبارزات و مجاهدتهای زیادی را علیه دشمن انجام داد. دین و شریعت خویش را کامل نمود و در آنجا به ملاقات پروردگارش شتافت و آرامگاه شریفش مزار همگان گردید. در وقت ورود به شهر پیامبر توجه داشته باش که قدم خویش را در جایگاه قدمهای پیامبر خدا(ص) گذارده ای و به هنگام تردد در این شهر نقطه ای را پا نمی گذاری مگر اینکه در آنجا قدمهای مبارک پیامبر نهاده شده است پس با آرامش قدم بردار و راه رفتن و قدم زدن حبیب خدا را در آن کوچه ها یادآور شو، آرامش آن حضرت را از یاد مبر و از اعمال زشت و ناروا پرهیز کن، زیرا زحمات تو را از بین می برد پس حریم باعظمتش را عزیز دار و همانند یارانش در برابر او با نرمش و آرامی سخن بگویی.

۲ - زیارت پیامبر خدا(ص) و ائمه معصومین(ع)

زائر پیامبر خدا و ائمه بقیع - علیهم صلوات الله - به هنگام ورود به حرم لازم است با طهارت خاضعانه و خاشعانه در برابر قبر و ضریح آنان بایستد و آنان را همانند زمان حیاتشان زیارت کند و زیاد به قبور متبرکه آنان نزدیک نگردد همان گونه که در زندگی آنان به خود اجازه نزدیک شدن زیاد را به آنان نمی دادی.

توجه داشته باش آنان از حضور تو آگاه هستند ایستادن، نشستن و زیارت تو را می بینند، سلام و درود تو را دریافت می دارند و به جای خود می رسانند پس آنان را زنده در آرامگاه خویش بدان و آن گونه زیارت کن که در حال حیاتشان به خدمت رسیده ای، مقام و الایشان را در ذهن خود تصور کن کلمات زیبا و موعظه های شیرین و دلنشین و نصیحتهای شفابخششان را به یادآور و همه را به گوش جان بشنو، زیرا که هدایتشان سعادت بخش و آرامش آفرین بوده و خواهد بود.